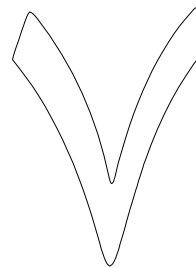


هیدروپلیتیک، امنیت و توسعه همکاری‌های آبی در روابط ایران، افغانستان و ترکمنستان

وحید سینائی*



* وحید سینائی استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. Sinaee@um.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۱۰

فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰، صص ۲۱۱-۱۸۵.

چکیده

کشورهای مجاور حوضه هریرود (ایران، افغانستان و ترکمنستان) دچار کم‌آبی و هم‌زمان افزایش قابل توجه جمعیت و نیازهای روبه‌رشد بخش‌های کشاورزی و صنعتی هستند. این مشکلات روبه‌تزايد موجب آشکار شدن ناکارآمدی رویکردها و طرح‌های محدودنگری شده است که در سال‌های گذشته برای فایق آمدن بر معضلات ناشی از کم‌آبی در کشورهای منطقه اجرا شده‌اند. در چنین شرایطی توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در مسائل آبی مستلزم پرهیز از رویکردهای رئالیستی به امنیت و آب و عطف توجه به این دو مقوله در چهارچوب رویکرد امنیت انسانی است. این چهارچوب می‌تواند به توسعه همکاری‌های آبی در کشورهای حوضه هریرود بر اساس مصالح متقابل و مشترک مردم منطقه و رفع نیازهای معقول آنها بیانجامد. بر این اساس، هدف این مقاله تأکید بر ضرورت تحول در رویکردهای سنتی به مقوله آب و امنیت برای جلوگیری از تبدیل کم‌آبی به منبعی برای اختلاف و منازعه کشورهای منطقه و ارائه راهکارهایی برای توسعه همکاری‌های آبی بین سه کشور ایران، افغانستان و ترکمنستان در حوضه هریرود و فائق آمدن بر مشکلات ناشی از وجود کم‌آبی در منطقه است.

واژه‌های کلیدی: هیدروپلیتیک، امنیت، امنیت انسانی، حوضه هریرود، ایران، افغانستان، ترکمنستان

مقدمه

کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان به دلیل قرار گرفتن در منطقه خشک و نیمه خشک، دچار کم آبی و نیازهای آبی مشابهی هستند. رفع این نیازهای روبه تزايد که منبعی برای نگرانی و ناامنی مردم این منطقه محسوب می شوند، مستلزم انجام پاره ای از همکاری های منطقه ای در حوضه های آبی مشترک است. اما با وجود پیوستگی های تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی، این همکاری ها در سطح متناسب و کارآمدی صورت نمی گیرد. تداوم نگرانی ها در زمینه تأمین نیازهای آبی با وجود اجرای ده ها طرح و برنامه و گذشت سال های متمادی از اجرای آنها نمایان گر ناکارآمدی این طرح ها و احتمال بروز کاستی های اساسی در تأمین نیازهای اولیه انسانی منطقه است. در صورت بروز چنین وضعیتی امنیت منطقه از «خرد» ترین تا «کلان» ترین سطوح آن در معرض تهدید قرار می گیرد. اجتناب از ایجاد چنین وضعیتی نخست مستلزم گزینش رویکردی جامع و پایدار به مقوله «امنیت» است. رویکردی که ظرفیت و قابلیت دربر گرفتن سطوح به ظاهر نامتجانس اما در واقع متفاوت و مرتبط امنیت را داشته باشد. «امنیت انسانی»^۱ که مفهومی عام و شامل سطوح مختلفی از امنیت می شود، رویکرد مناسبی برای همکاری های آبی در حوضه هریرود و بین کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان به شمار می آید. اتخاذ این رویکرد، راهکارهای متنوع و جدیدی را برای حل مشکلات ناشی از کم آبی پیش روی کشورهای منطقه قرار می دهد. افزون بر این و تا آنجا که به جمهوری اسلامی مربوط می شود اتخاذ این رویکرد به اصلاح پندار موجود درباره تهدید و سیاست



امنیتی جمهوری اسلامی دست کم در سطح منطقه‌ای کمک خواهد کرد.^(۱)

با توجه به کم‌آبی و تنش‌های آبی که از ویژگی‌های جغرافیایی و طبیعی آسیای غربی و مرکزی است پرسش اصلی مقاله این است که برای مقابله با بحران کم‌آبی در حوضه هریرود و مشکلات ناشی از آن در روابط کشورهای افغانستان، ایران و ترکمنستان چه رویکردها و اقداماتی باید مدنظر قرار گیرد. در پاسخ به این پرسش فرضیه مقاله این است که همکاری در حوضه‌های مشترک آبی از جمله هریرود مستلزم عطف توجه به رویکرد امنیت انسانی و سپس جستجوی راهکارهایی برای همکاری‌های مشترک در چهارچوب این رویکرد جدید است. داده‌های این مقاله به صورت اسنادی، و الکترونیکی گردآوری و با روش توصیفی و تحلیلی بررسی شده‌اند. مباحث نظری در چهارچوب تحول مفهوم امنیت، چگونگی شکل‌گیری مفهوم امنیت انسانی و نسبت آب و امنیت در دو رویکرد رئالیستی و انسانی به امنیت مورد توجه قرار گرفته‌اند. سپس هیدروپلیتیک، تنش و کم‌آبی در افغانستان، ایران و ترکمنستان و آنگاه ژئوپلیتیک و نظام بهره‌برداری از رودخانه هریرود به عنوان رودخانه مشترک بین سه کشور یادشده بررسی شده‌اند. در پایان نیز در چهارچوب رویکرد امنیت انسانی، راهکارهایی برای توسعه همکاری‌های آبی در حوضه هریرود ارائه شده است.

۱. امنیت و آب؛ رویکردهای متفاوت

آب یک کالای غیرقابل جایگزینی است. از این رو هر جا منابع آب، اندک باشد دسترسی به ذخایر محدود آن امری حیاتی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، آب به نحو اجتناب‌ناپذیری به یک مقوله سیاسی و امنیتی تبدیل می‌شود. در نتیجه سیاست، امنیت و آب به یکدیگر پیوند می‌خورند. اما موضوع مهم نه نفس این پیوند بلکه رویکرد حاکم بر آن است. در رویکرد رئالیستی به سیاست و امنیت، آب نیز منبعی برای قدرت و در اختیار داشتن آن برگ برنده‌ای در مبارزه بر سر قدرت است. حاکمیت این رویکرد به اجرای طرح‌های یک‌جانبه‌گرایانه به‌ویژه در بهره‌برداری از منابع مشترک منجر می‌شود. اما در رویکرد امنیت انسانی، آب مقوله‌ای حیاتی برای بقای نوع بشر است و کمبود آن ضرورت همکاری برای

بهره‌برداری منصفانه و معقول از آب و بدون زیان‌رسانی به غیر به‌ویژه در منابع مشترک را دو چندان می‌کند. رویکرد امنیت انسانی هرچند جدید می‌نماید، ریشه‌های بسیار کهنی دارد. نظام‌های بهره‌برداری و توزیع آب در مناطق کم‌آب جهان از جمله در خراسان بزرگ و حوضه هریرود در قالب شبکه‌های مصنوعی آبیاری، قنوات و کاریزها، که ساخت آنها تنها در پرتو همکاری و تعاون مردم امکان‌پذیر بود، در چهارچوب همین رویکرد بنا شدند.

امنیت و جستجوی آن در زمره نخستین نیازها و کوشش‌های انسانی بوده است. این نیاز بنیادی که نخست در سطح روانی و عینی فردی و سپس گروهی و جمعی آشکار شد در قرن هفدهم و در چهارچوب کنگره و معاهده وستفاليا^۱ هویتی ملی یافت. بدین ترتیب امنیت ملی به یکی از اصلی‌ترین خواسته‌ها و اهداف دولت - ملت^۲ یا دولت‌های ملی تبدیل شد. با ایجاد دولت ملی مفاهیمی مانند امنیت ملی، منافع ملی و قدرت ملی ایجاد شد. اما تلاش دولت‌ها برای دستیابی به آنها از آنجا که در چهارچوب نظامی قرار داشت که همه بازیگران آن به دنبال بیشینه کردن منافع خود بودند به ناگزیر ماهیتی ستیزه‌جویانه و خصم‌آلود به خود گرفت. زیرا امنیت ملی، منافع ملی و قدرت ملی در عالی‌ترین سطح تنها زمانی تأمین می‌شود که زمینه‌های برتری، تفوق و سلطه کشوری را بر دیگر کشورها فراهم آورد. در این رویکرد، سیاست بین‌الملل مبارزه‌ای در راه کسب و حفظ قدرت است (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۲۶-۳). این چنین بود که تلاش برای تأمین امنیت ملی به ناامنی منطقه‌ای و جهانی انجامید.

تعاریف کلاسیک امنیت ملی با تکرار و تأکید بر واژه‌های نظامی و سیاسی همراه هستند: نبود تهدید نظامی، محافظت از کشور در برابر حمله نظامی، افزایش قدرت نظامی، جنگ و... (روشندل، ۱۳۷۳: ۳۰-۳). تسری و توسعه مفهوم امنیت به حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی در چهارچوب نظام و گفتمان وستفالایی رویکرد غالب دولت‌محور و تهدیدمحور امنیت را منتفی نساخته است. رویکردهای نرم‌افزارانه به مقوله امنیت، منافع و قدرت ملی تا زمانی که به دنبال سلطه و استیلای

«ما» بر «دیگران» هستند، در واقع در تدارک یافتن ابزارهایی متفاوت و البته تلطیف شده برای دستیابی به اهدافی هستند که پیش از این با زور عریان و آشکار تعقیب می شدند. بر این اساس قدرت اقتصادی، تکنولوژیک و علمی نیز می تواند همان اهدافی را دنبال کند که در دوره ای از طریق قدرت نظامی و توسعه تسلیحاتی پیگیری می شد.

غلبه ابعاد نظامی و سیاسی بر مفهوم امنیت باعث شد که قدرت ملی نیز با وجود اینکه وجوه و انواع متفاوتی دارد، ماهیتی نظامی و سیاسی بیابد. در رویکرد رئالیستی، منظور از قدرت ملی توانمندی هایی است که به یک کشور امکان می دهد اهداف خود را در نظام بین الملل و در روابط با دیگر کشورها پیش برد (قوام، ۱۳۸۰: ۵۹-۶۰). این توانمندی ها سرچشمه های متفاوتی دارند: آمادگی نظامی، منابع طبیعی، ظرفیت صنعتی، منابع انسانی، خصوصیات ملی و... (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۲۶۴-۱۸۱؛ روشندل، ۱۳۷۳: ۸۵-۶۶؛ قوام، ۱۳۸۰: ۷۵-۹۹). اینها منابعی هستند که فرصت و امکان اعمال قدرت یک کشور و تغییر رفتار دیگر کشورها را فراهم می آورند. در این رویکرد، آب نیز که از جمله منابع طبیعی است، منبع قدرت و ابزار اعمال آن محسوب می شود.

با فروپاشی نظام دوقطبی و گسترش فرایندهای جهانی شدن، مفهوم امنیت نیز متحول شد. تعدد بازیگران بین المللی، کمرنگ شدن حاکمیت دولت ها و جلب توجه به پدیده هایی که آشکارا جنبه فراملی و فرامرزی دارند، موجب تقویت ابعاد جدیدی از مفهوم امنیت شد که امنیت انسانی از جمله آنهاست. در امنیت انسانی فرد انسان نه به عنوان یک تبعه یا شهروند بلکه فی نفسه و از آن رو که انسان است اهمیت می یابد (UNDP, 1995: 229-236). امنیت انسانی توجه خود را از دولت به فرد، فارغ از خصیصه های ملی، نژادی و فرهنگی و جنسیتی وی معطوف می دارد. به عبارت دیگر اگر در پارادایم وستفالی امنیت برای دولت - ملت بود و در مقابل آن تهدیدات دیگر دولت - ملت ها قرار داشت، در پارادایم امنیت انسانی، امنیت برای انسان و در مقابل آن تهدیداتی قرار دارد که حیات و بقای وی را به خطر می اندازند (Bajpai, 2000).

هدف امنیت انسانی محافظت از گوهر حیات^۱ انسان از تهدیدات مهم و شایع و هموار کردن مسیر شکوفایی و کمال وی است (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۱۸). گوهر حیات بشر شامل تأمین و ارضای نیازهای مادی و نیز تأمین آزادی‌ها و حقوق انسانی می‌شود. آنچه حیات و بقای بشر را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد، متنوع و متعدد است.

حوادث و بیماری‌های طبیعی مانند سیل، زلزله و طوفان، رخدادهای خانمان‌سوز سیاسی نظیر جنگ و حملات تروریستی، به قدرت رسیدن نظام‌های جبار و سرکوبگر، شرایط ناگوار اقتصادی چون قحطی، فقر و تنگدستی، کمبود یا نبود منابع طبیعی لازم برای زندگی مانند هوا، آب و خاک، همگی تهدیداتی هستند که امنیت انسانی را به‌صورت جدی و آشکار به مخاطره می‌اندازند. در این میان به‌نظر می‌رسد برخی از تهدیدات می‌توانند زمینه‌ساز بروز تهدیدات دیگر و ایجاد شرایطی شوند که نه‌تنها امنیت یک حوزه از حیات انسان، بلکه وجوه مختلف آن را با مخاطرات انباشته‌شده و سرایت‌پذیر روبه‌رو سازند. تهدیدات زیست‌محیطی از این قبیل‌اند (قاسمی، ۱۳۸۵: ۲۶۶). تهدیدات زیست‌محیطی می‌توانند باعث فقر، بیکاری، جابه‌جایی جمعیت و... شوند. به‌عنوان مثال تهدیدات ناشی از کمبود یا نبود آب می‌توانند خاصیت انباشتی و سرایت‌پذیری تهدید از حوزه‌ای به حوزه دیگر را نشان دهند. مهم‌ترین و آشکارترین سطح تهدید مربوط به نبود آب شرب سالم می‌شود که به‌طور مستقیم حیات و بقای انسانی را تهدید می‌کند. کمبود آب، فعالیت‌های معیشتی انسان در حوزه‌های کشاورزی و صنعت را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد و در نتیجه تهدیداتی مانند فقر، بیکاری، مهاجرت، تخریب محیط زیست، شیوع بیماری‌های خطرناک، نزاع‌های خونین و شورش و جنگ نیز بروز خواهند کرد.

۶۶ درصد سطح کره زمین پوشیده از آب و کل آب زمین در حدود ۱۴۵۶ میلیون کیلومتر مکعب است. اما تنها ۲/۶ درصد این آب، شیرین است. از این میزان ۷۷/۲۳ درصد در دو قطب و یخچال‌ها، ۱۲/۳۵ درصد در اعماق زمین و تنها ده

درصد آن یعنی ۰/۲۶ درصد کل آب‌های موجود در زمین برای انسان قابل استفاده هستند. (Carius, Dabelko, Wolf, 2004) با این‌همه این میزان بیش از نیاز انسان است. سالانه در حدود ۲۱۶۰۰۰ میلیارد متر مکعب باران می‌بارد. این میزان دو برابر جمعیت کنونی زمین را سیراب می‌کند. با وجود این، بسیاری از بخش‌های جهان از کمبود آب شیرین و قابل شرب رنج می‌برند. یک‌چهارم جمعیت جهان از دسترسی به آب آشامیدنی سالم محروم هستند و بیش از ۲۰ کشور دچار کمبود شدید آب هستند. کشورهایی که منابع سرانه آب شیرین آنها بین ۱۰۰۰ تا ۱۷۰۰ متر مکعب باشد دچار کمبود آب، در صورتی که این رقم به ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر مکعب برسد دچار تنش و اگر به پایین‌تر از ۵۰۰ متر مکعب برسد دچار بحران و کم‌آبی شدید هستند. (حافظ‌نیا، نیکبخت، ۱۳۸۱: ۴۹) در این صورت تولید مواد غذایی، توسعه اقتصادی و حفظ سیستم‌های طبیعی آنها دچار تنگنا می‌شود. در مجموع توزیع نامناسب منابع آب، یکسان نبودن توزیع بارش، رشد بی‌رویه جمعیت، رشد مصرف و مدیریت از هم گسیخته منابع آب باعث شده است که بخش‌هایی از جهان از جمله خاورمیانه، آسیای مرکزی و غربی در معرض تنش یا بحران‌های آبی قرار گیرند. آب منبعی استراتژیک در اقتصاد، محیط زیست و توسعه است و کمبود آن تمام جنبه‌های زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو کمبود آب موجب نگرانی است و اقدامات مربوط به مهار و انتقال آن می‌تواند به اعتراض، شورش و جنگ منجر شود. تنش یا بحران آبی موضوع آب را به امنیت و سیاست پیوند می‌دهد. سیاست آبی یا هیدروپلیتیک به تأثیر و نقش‌آفرینی آب در سیاست اعم از تأثیر آن بر شکل‌گیری دولت‌ها، قدرت و ساختار یا زوال و ضعف آنها می‌پردازد.

تنش‌ها و بحران‌های آبی در سطوح مختلفی روی می‌دهند. گاه این تنش‌ها محلی یا ملی است. نزاع محدود بر سر توزیع و تقسیم آب یا اعتراض‌هایی که در چهارچوب یک واحد ملی بر سر جابه‌جایی و انتقال آب از یک منطقه به منطقه دیگر روی می‌دهند در زمره این تنش‌ها هستند. اما تنش‌های ناشی از کم‌آبی گاه ابعادی گسترده‌تر یافته و به سطوح منطقه‌ای و فراملی کشیده می‌شوند. مهم‌ترین مسئله در رابطه آب و امنیت در سطح فراملی به آب‌های مشترک و چگونگی تقسیم، بهره‌برداری و مدیریت آنها مربوط می‌شود. وقتی کشوری برای تأمین آب

مورد نیاز خود به رودخانه‌هایی وابسته است که سرچشمه آنها خارج از فضای سرزمینی‌اش قرار دارد یا به علت نیاز فعلی یا آتی خود به مهار آب‌های مشترک مبادرت می‌ورزد، آب به موضوعی سیاسی و امنیتی در سطح منطقه‌ای و فراملی تبدیل می‌شود. (Dolatyar, Groy, 2000: 24)

امروزه درباره اینکه کمبود آب و نحوه استفاده از آب‌های مشترک می‌تواند در زمره منابع بروز جنگ باشد اتفاق نظر وجود دارد. حدود چهل درصد جمعیت جهان دارای حوضه‌های آبریز مشترک هستند و ۵۰ تا ۶۰ درصد وسعت هریک از قاره‌ها را حوضه‌های آبریز مشترک تشکیل می‌دهند (کردوانی، ۱۳۷۳: ۱۲). سیاست کشورها درباره چگونگی بهره‌برداری از این منابع مشترک می‌تواند موجب همکاری و همگرایی یا اختلاف و واگرایی آنها شود. **پیتر هاگت** در مدل فرضی خود (های پوتیتکا) به هنگام برشمردن عوامل دوازده‌گانه جغرافیایی تنش‌ها میان کشورها، شش تنش را در ارتباط با موضوع آب و از میان آنها چهار مورد را به آب‌های مشترک نسبت می‌دهد (هاگت، ۱۳۸۶: ۳۷۲). بنابراین نحوه و میزان بهره‌برداری از رودها، دریاچه‌ها و سفره‌های زیرزمینی مشترک و تحت حاکمیت دو یا چند دولت می‌تواند به اختلاف بین کشورهای که در بالادست یا پایین‌دست منابع آبی مشترک قرار دارند، بیانجامد. اختلاف نظر بین کشورهای بالادست و پایین‌دست، زمانی بروز می‌کند که در مورد استفاده‌های مختلف از منبع آبی مشترک مانند استفاده از آب برای کشاورزی و آبیاری یا تولید انرژی برق تعارض وجود داشته باشد. کشورهای بالادست با در اختیار داشتن دبی آبراه می‌توانند با تغییرات اساسی، این دبی را کاهش دهند یا کیفیت آن را به دلیل آلودگی با آلاینده‌های شیمیایی به هنگام آبیاری تغییر دهند. دولت پایین‌دست نیز می‌تواند مثلاً با تأسیس سد در نزدیکی مرز مشترک، بخشی از سرزمین دولت بالادست را غرق در آب کند یا با بستن دهانه رود مانع دسترسی آن به دریا شود.

حل و فصل حقوقی تعارض بین دولت‌های بالادست و پایین‌دست بر عهده حقوق آبراه‌های بین‌المللی نهاده شده است (Schrijver, 1997: 118-126). اما به دلیل نبود قواعد الزام‌آور در رژیم حقوقی استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های مشترک، کشورها به دو اصل بنیادین استفاده منصفانه و معقول - که معمولاً فرض می‌شود به

نفع دولت بالادست است - و اصل منع ایراد ضرر مهم - که معمولاً فرض می‌شود به نفع دولت پایین دست است - برای استیفای حقوق خود متوسل می‌شوند و برای توجیه عملکرد خود از مبانی نظری متفاوتی بهره می‌برند (Cech, 2004: 145-154).

کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل با عنوان «حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی»^۱ که حاصل کار جمعی از برجسته‌ترین حقوقدانان و بر مبنای ملاحظه رویه کشورها و اعلام مواضع آنها در زمینه مورد بحث است، با رأی مخالف سه دولت و رأی ممتنع ۲۷ دولت به قطعنامه - که اغلب آنها از دولت‌های بالادست در آبراه‌های بین‌المللی به‌شمار می‌روند - از مجموع ۱۰۶ رأی به تصویب رسید (A/51/869 11 April 1997). با توجه به شمار تصویب‌کنندگان اندک آن و در غیاب نظر مثبت کشورهای مهم دارای موضع بالادست در آبراه‌های بین‌المللی می‌توان گفت چهارچوب الزام‌آور جهانی برای ارائه قواعد حاکم بر رفتار کشورها وجود ندارد. در چنین شرایطی معاهدات و توافق‌های دو یا چندجانبه کشورها و رویکرد آنها به موضوع امنیت ملی یا انسانی درباره منابع آب مشترک اهمیت می‌یابد.

منطقه‌ای که امروزه آسیای غربی خوانده می‌شود و کشورها یا بخش‌هایی از کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان را دربر می‌گیرد، از گذشته دچار کم‌آبی بوده است. با این تفاوت که در گذشته مردم منطقه به‌دور از چهارچوب‌های تنگ و «غیرت‌ساز» دولت‌های مدرن و با اتکا به نظام گسترده و کارآمد توزیع و مصرف آب و شبکه‌ای از قنات‌ها و کاریزها نیازهای زیستی و حوایج اولیه خود را برطرف می‌کردند. اما امروزه در لوای نظام دولت - ملت، مرزهای سیاسی آنها را بیگانه و مشکلات و راه‌حل‌هایشان را بی‌ارتباط با یکدیگر ساخته است. با این وجود بنا به دلایل چندی هنوز کم‌آبی آسیای غربی به کانون توجه تبدیل نشده است. وجود میزانی از عقلانیت و همکاری، برخی شرایط سیاسی که عملاً بهره‌برداری بیشتر از آب یا اصرار بر حقایق را به تعویق انداخته و وجود چند ایستگاه فاصله تا رسیدن به مرحله تنش آبی، عوامل درون منطقه‌ای هستند. عطف توجه به تنش‌های آبی در

1. The United Nations Convention on the Law of Non-navigational Uses of International Watercourses

آسیای مرکزی و فاجعه آرال و کمبود جدی آب در کانون مرکزی بحران خاورمیانه یعنی اردن، اسرائیل و فلسطین را نیز می توان به آنها افزود. اما این رخدادها و عوامل تنها تنش و بحران آبی قریب الوقوع را در این منطقه به تأخیر انداخته اند.

۲. هیدروپلیتیک و کم آبی در حوضه هریرود

سه کشور واقع در منطقه آسیای غربی یعنی افغانستان، ایران و ترکمنستان در مناطق خشک و نیمه خشک واقع شده و بخشی از سرزمین آنها نیز کوهستانی است. بیشتر آب این منطقه از آب شدن برف ها و یخ های واقع در کوه های مرتفع سرچشمه می گیرد. در این منطقه توزیع نامتناسب آب، منابع آبی مشترک، سیاست های نادرست کشاورزی، فقدان مدیریت صحیح و یکپارچه بر منابع آب و نبود موافقت نامه های بهره برداری و رشد جمعیت مشکل را دو چندان کرده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱. رشد جمعیت در افغانستان، ایران و افغانستان

جمعیت کشور	۲۰۰۵ (هزار)	۲۰۱۰ (هزار)	۲۰۲۵ (هزار)	رشد جمعیت (%) ۲۰۱۰-۲۰۰۵
افغانستان	۲۴۵۰۷	۲۹۱۱۷	۴۴۹۷۰	۳/۴۵
ایران	۷۰۷۶۵	۷۵۰۷۸	۸۷۱۳۴	۱/۱۸
ترکمنستان	۴۸۴۳	۵۱۷۷	۶۰۷۲	۱/۳۳

Source: <http://esa.un.org/unpp>

هرچند افغانستان دارای بیشترین منابع آب در منطقه است اما بخش های زیادی از این کشور محاط در خشکی کوهستانی است. متوسط بارندگی سالانه در افغانستان حدود ۳۰۰ میلیمتر و تقریباً برابر با ایران است. منبع اصلی آب این کشور، آب شدن برف و یخ موجود در ارتفاعات و سرازیر شدن آنها با سرعتی لجام گسیخته است. این وضعیت در مواردی نه تنها کمکی به کشاورزی نمی کند بلکه باعث نابودی دسترنج کشاورزان نیز می شود. (کلیفورد، ۱۳۸۶: ۱۵، شورماچ، ۱۳۵۰: ۷۳-۷۴) هر چهار رودخانه بزرگ افغانستان (آمودریا (جیحون)، کابل رود، هیرمند و هریرود) به کشورهای همسایه می ریزند.

افغانستان دارای یکی از بالاترین نرخ‌های رشد جمعیت در جهان به میزان ۳/۴۵ درصد است. پیش‌بینی می‌شود جمعیت این کشور که در سال ۲۰۰۰ در حدود ۲۶ میلیون نفر بود در سال ۲۰۲۵ به حدود ۴۵ میلیون نفر برسد. رشد قابل ملاحظه جمعیت در کنار ضرورت بازسازی و توسعه اقتصادی، بهره‌برداری بیشتر از منابع موجود و مهار آب‌های مرزی مشترک را در دستورکار دولت این کشور قرار داده است. طرح‌های افغانستان برای ساختن سد بر روی رودخانه‌های آمودریا، هیرمند و هریرود که به‌سوی کشورهای آسیای مرکزی و ایران در جریان هستند از جمله این اقدامات است.

ترکمنستان نیز با محدودیت منابع آب روبه‌رو است. این کشور دارای اقلیم خشک و برّی است و چهارپنجم مساحت یا حدود ۳۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع آن را صحرای قره‌قوم تشکیل می‌دهد. به‌جز در نوار بسیار کوتاه و کم‌وسعت کوه‌های کپه داغ و پاراپامیز، هیچ رودخانه‌ای در تمام وسعت ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر مربعی آن شکل نمی‌گیرد. کمی بارش‌های جوّی با میانگین سالیانه حدود ۸۰ میلی‌متر، تبخیر و تعرق بسیار زیاد سالیانه که به بیش از ۲۷۰۰ میلی‌متر می‌رسد و تفاوت‌های بسیار بارز میانگین‌ها، درجات مطلق حرارت سالیانه و حتی روزانه، حاکی از تسلط شرایط صحرایی بر ترکمنستان است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲۷). این شرایط آب‌وهوایی در استمرار تولید پنبه - مهم‌ترین محصول صادراتی کشاورزی ترکمنستان - که به آبیاری منظم نیازمند است تنگناهای جدی به‌وجود می‌آورد.

ترکمنستان نه‌تنها محاط در خشکی است، بلکه به‌طور کامل به آب‌های ورودی وابسته است. رودخانه‌های آمودریا و مرغاب از افغانستان و هریرود و اترک از ایران وارد این کشور می‌شوند.

این کشور نیز با مسئله رشد جمعیت روبه‌رو است. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت کنونی این کشور که در حدود پنج میلیون نفر است، در سال ۲۰۲۵ به بیش از شش میلیون نفر برسد. وابستگی به آب‌های ورودی، رشد جمعیت و برنامه‌های توسعه مدتی است مقامات ترکمنستان را به چاره‌اندیشی برای مدیریت آب و جلوگیری از هدر رفتن آن سوق داده است.

براساس آمارهای اعلام‌شده، از ۲۸ میلیارد متر مکعب آب مصرفی سالانه

کشاورزی در ترکمنستان، حدود ۱۴ میلیارد متر مکعب یا به عبارتی ۵۰ درصد آن به هدر می رود. **نیازف**، رئیس جمهور سابق ترکمنستان پیشنهاد کرده بود که برای جلوگیری از هدر رفت آب به ازای هر ۱۲۰ هکتار اراضی کشاورزی باید دو نفر برای نظارت بر آب مصرفی کشاورزی تعیین شوند. هرچند وی تصریح کرده بود که با کسانی که آب را هدر دهند برخورد می شود، ولی نحوه آبیاری اراضی کشاورزی این کشور همچنان به صورت سنتی است ([www.irna.ir /view/full_story/](http://www.irna.ir/view/full_story/)) (News Id=125446).

ایران به دلیل قرار گرفتن دو سوم وسعت آن در مناطق خشک و نیمه خشک در زمره کشورهای کم آب قرار دارد. متوسط بارندگی در ایران بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ است و در بین ۱۰۰ کشوری است که سازمان ملل در برنامه جمعیت و محیط زیست خود از آنها به عنوان کشورهای که سرانه آب شیرین تجدیدپذیر آنها پایین است نام برده است. سرانه آب ایران در سال ۱۳۷۵، ۲۱۶۰ متر مکعب و در سال ۱۳۸۵، ۱۷۵۰ متر مکعب بود. این میزان در سال ۱۴۰۰ به ۱۳۰۰ متر مکعب خواهد رسید (مسیبی، ۱۳۷۸: ۷۳). استان خراسان نیز که مرزهای آبی مشترکی با کشور ترکمنستان دارد، مانند بیشتر بخش های ایران در منطقه خشک و نیمه خشک واقع است. این استان که از گذشته به آب های زیر زمینی متکی بوده است در سال های اخیر به دلیل رشد جمعیت و خشکسالی به حفر بی رویه چاه های عمیق روی آورد. این امر باعث شد که از ۳۶ دشت این استان ۳۳ دشت ممنوعه اعلام شوند (پاپلی یزدی، وثوقی، ۱۳۸۳: ۸۵). جدول شماره ۲ وضعیت کلی منابع آب این استان را نشان می دهد.

جدول شماره ۲. وضعیت کلی منابع آب استان

تعداد حوضه‌های آبریز اصلی	۳ حوضه
میانگین نزولات جوی	۲۲۷ میلی‌متر
متوسط حجم نزولات جوی سالانه	۲۶۵۷۲ میلیون متر مکعب
میزان تبخیر و تعرق سالانه	۱۸۷۳۳ میلیون متر مکعب
میزان پتانسیل منابع آب تجدیدشونده*	۸۳۳۹ میلیون متر مکعب
سهم آب‌های زیرزمینی از منابع تجدیدشونده	۶۰۰۰ میلیون متر مکعب
سهم آب‌های سطحی از منابع تجدیدشونده*	۲۳۳۹ میلیون متر مکعب
تعداد رودخانه‌های مهم	۴۲ رودخانه
تعداد رودخانه‌های مرزی	۱۰ رودخانه
حجم آب خروجی از رودخانه‌ها به استان‌های همجوار	۲۶ میلیون متر مکعب
حجم آب خروجی از مرزهای بین‌المللی (سهم ایران)	۱۲۷ میلیون متر مکعب
حجم آب ورودی به کویرهای استان	۴۰ میلیون متر مکعب
تعداد کل دشت‌ها	۳۶ دشت
تعداد دشت‌های ممنوعه و ممنوعه بحرانی	۳۳ دشت
تعداد دشت‌های آزاد	۳ دشت
میزان برداشت از منابع آب زیرزمینی	۷۰۶۰ میلیون متر مکعب
کسری مخزن دشت‌ها	۱۰۶۰ میلیون متر مکعب

Source: www.khrw.ir/portals/o/Ab 1Meher 87.doc

* ۵۰۰ میلیون متر مکعب آب ورودی به مرزهای استان می‌باشد

افزون بر آب کشاورزی، استان خراسان و به‌ویژه شهر مشهد با توجه به افزایش روزافزون جمعیت مقیم و مسافر، در تأمین آب شرب نیز دچار تنگناهای جدی است. همین تنگناها، بهره‌برداری بیشتر و مهار آب‌های مشترک از جمله هریرود را به موضوعی اجتناب‌ناپذیر در این استان تبدیل کرده است.

۳. ژئوپلیتیک و نظام بهره‌برداری از رودخانه هریرود

هریرود از کوه‌های بابا و سفیدکوه (غور) از ارتفاعات هندوکش سرچشمه می‌گیرد و در حوالی آبادی‌های کوشان و کاریز در نزدیکی شهرستان تایباد به مرزهای ایران و افغانستان می‌رسد. مسیر هریرود از ابتدا تا این محل در غرب افغانستان ۶۵۰ کیلومتر است. از این نقطه به بعد رودهای فصلی مانند دال قلعه، کال دربند، بهلوری و روس به هریرود می‌پیوندد. هریرود تا تنگه ذوالفقار که محل تلاقی مرزهای ایران، افغانستان و ترکمنستان است، خط مرزی ایران و افغانستان به طول ۱۰۷ کیلومتر را تشکیل می‌دهد. این محل از نظر سوق‌الجیشی اهمیت زیادی دارد و در تعیین حدود مرزهای ایران و افغانستان از موارد اختلاف بوده است (فدایی، چکنگی، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۵).

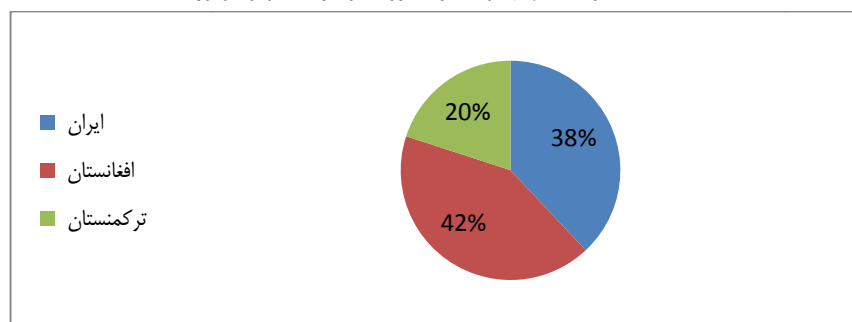
هریرود پس از نقطه تلاقی مرز سه کشور در پل خاتون با کشف‌رود تلاقی می‌کند و از این به بعد تجن نامیده می‌شود. تجن، ۱۱۷ کیلومتر مرز مشترک ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهد. پس از خروج از مرز، هریرود در دشت قره قوم پخش و در حوالی شهر تجن تقریباً محو می‌شود. (نقشه شماره ۱) این رودخانه از سرچشمه تا ریزش‌گاه، حدود ۱۱۲۰ کیلومتر طول دارد (جعفری، ۱۳۷۹: ۴۷۸).

نقشه شماره ۱. موقعیت هریود و سد دوستی



قره قوم نام چاله‌ای در میان شنزارهای ترکمنستان است که آب‌های مناطقی از ایران، افغانستان و ترکمنستان به‌سوی آن سرازیر می‌شود. قسمتی از جنوب غربی حوضه آبریز قره قوم در شمال شرقی ایران و در مجاورت مرزهای ایران با کشورهای افغانستان و ترکمنستان قرار دارد. به‌طور کلی مساحت حوضه آبریز قره قوم ۱۱۷۲۹۷ کیلومتر مربع برآورد شده که ۴۹۲۶۴ کیلومتر مربع یا ۴۲ درصد آن در افغانستان، ۴۴۵۷۳ کیلومتر مربع یا ۳۸ درصد آن در ایران و ۲۳۴۶۰ کیلومتر مربع یا ۲۰ درصد آن در ترکمنستان واقع است. شکل شماره ۱ سهم هریک از این سه کشور را در حوضه آبریز هریود نشان می‌دهد.

شکل شماره ۱: سهم هریک از کشورها در حوضه آبریز هریود



منبع: فدایی، چکنگی، ۱۳۸۴: ۱۳

دبی متوسط سالانه رودخانه هریرود در محل پل خاتون برابر ۳۸ متر مکعب در ثانیه و میزان آورد آن حدود ۱/۲ میلیارد متر مکعب برآورده شده است. جریان هریرود به اواخر زمستان و فصل بهار محدود می‌شود. این رودخانه دارای طغیان‌های شدید در بهار بوده و عمده جریان آب سالانه آن در دو ماه اول فصل بهار است که تقریباً ۷۰ درصد کل جریان سالانه آن را تشکیل می‌دهد. دوره فروکش آب رودخانه از اواخر بهار شروع می‌شود و در فصل تابستان و پاییز خشک و یا جریان بسیار کمی دارد (شرکت مهندسی مشاور جاماب، ۱۳۷۲: ۸-۴).

نظام بهره‌برداری از آب هریرود که از گذشته‌های دور تا اواخر قرن نوزدهم میلادی براساس حقابه‌ها و رویه‌های معمول و مرسوم استوار و توسط مردم و مقامات محلی اجرا می‌شد، به دنبال پیش‌روی نیروهای نظامی روسیه تزاری به‌سوی سرزمین‌های آسیای مرکزی و ترکستان دستخوش تغییر شد. پیش‌روی روس‌ها در آسیای مرکزی مقارن ضعف دولت مرکزی ایران و با ترک دعاوی آن نسبت به سرزمین‌های شمالی رود اترک و امیدواری برای حفظ اراضی جنوب آن همراه بود. با همسایگی ایران و روسیه تزاری در شمال شرقی، تحدید حدود مرزهای دو کشور در این منطقه ضرورت یافت. از این‌رو در ۲۱ دسامبر ۱۸۸۱ پیمان مرزی آخال به امضای مقامات دو کشور رسید. براساس فصل اول این پیمان مرزهای دو کشور از خلیج حسینقلی در دریای مازندران تا مجاورت روستای بابا دورمز تحدید حدود شد و از این منطقه تا هریرود در سرخس به مسافت ۱۶۰ کیلومتر تعیین تکلیف نشد. زیرا روس‌ها در صدد تصرف بیشتر سرزمین‌های شرقی و همسایگی با افغانستان بودند. با توسعه متصرفات روسیه در شرق (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۷۸-۷۷) تعیین خطوط مرزی ایران و روسیه از روستای بابا دورمز تا نقطه مرزی ذوالفقار که محل تلاقی مرزهای سه کشور روسیه، ایران و افغانستان بود در دستورکار قرار گرفت. این بخش از خطوط مرزی نیز براساس فصل پنجم از قراردادی تعیین شد که در تاریخ ۲۷ مه ۱۸۹۳ (۲۳ ذیقعه ۱۳۱۰ هـ.ق) در تهران به امضا رسید (مخبر، ۱۳۲۴: ۱۵). بدین ترتیب براساس پیمان آخال (۱۸۸۱) و قرارداد ۱۸۹۳ و هیئت‌هایی که برای تحدید خطوط مرزی و نصب علائم سرحدی تشکیل شدند مرزهای ایران و روسیه از دریای مازندران تا ذوالفقار تعیین شدند. هرچند خطوط مرزی دو کشور

در شمال شرقی تحدید حدود شد، نخستین بار تعیین حقایق ایران و روسیه در رودخانه‌های مرزی از جمله هریرود، در قرارداد هشتم اسفند ۱۲۹۹ (۲۶ فوریه ۱۹۲۱) مطرح شد. در فصل سوم عهدنامه آمده بود: دولتین معظمین از رودخانه اترک و سایر رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی متساویاً انتفاع حاصل خواهند کرد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۵۴۲).

با وجود تأکید بر انتفاع مساوی از آب‌های مرزی در قرارداد ۱۹۲۱ در پروتکلی که در دوم مهرماه ۱۳۰۰ در میان نمایندگان دو کشور در ارتک (نزدیک عشق‌آباد) امضا شد، دو سوم آب تجن به ترکستان و یک‌سوم به ایران اختصاص داده شد (پوشه ۶۳، جزوه دان ۴۶، سال ۱۳۰۰، اسناد وزارت خارجه به نقل از: ولایتی، ۱۳۷۰: ۱۲۴). مفاد این پروتکل نشان می‌دهد که روس‌ها به جای تقسیم مساوی آب، اساس گفتگو را «بر اصول احتیاجات قرار داده و بر روی آن تقسیمات به عمل آوردند که آن هم به ضرر ایران تمام می‌شد؛ زیرا بر اثر قیود و شرایط زیان‌باری که سال‌ها نسبت به اراضی سرحدیه ایران اجرا می‌شد، طرف ایران خراب و بی‌سکنه مانده بود و طرف روس‌ها آباد و پرجمعیت. بنابراین روس‌ها نمی‌خواستند محل آباد خود را بی‌آب گذارده و خراب کنند و ساکنان آن نقاط را به جای دیگر بکوچانند.» (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۱۷-۱۰۲۰۰۷، گزارش کارگزاری خراسان به شماره ۵۳۳۳ به وزارت خارجه در ۳ فروردین ۱۳۰۵ به نقل از: طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۲۶۳).

تقسیم آب‌های مرزی از جمله مسائل اختلاف‌برانگیز ایران و روسیه (شوروی) در سال‌های پیش و پس از امضای قرارداد ۱۹۲۱ بود. روس‌ها در پاره‌ای از نقاط، آب رودخانه‌های مرزی را به‌سوی خاک خود منحرف و ایرانیان را از آبیاری کشتزارهای خود محروم می‌کردند. از این رو هر سال در بعضی مناطق مرزی بر سر تقسیم آب میان مرزنشینان ایران و شوروی درگیری ایجاد شده و تنی چند زخمی و کشته می‌شدند. وضع مقررات خاص برای ایرانیان ساکن در نواحی مرزی مانند محدود کردن زمین‌های کشاورزی و ممنوع یا محدود کردن کشت گیاهانی مانند پنبه و کنجد از دیگر اقدامات روس‌ها در این منطقه بود (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۲۶۳-۲۶۲).

اختلافات و ضرورت تعیین سهم طرفین از آب‌های رودخانه‌های مشترک مرزی باعث شد در اول اسفند ۱۳۰۴ (۲۰ فوریه ۱۹۲۶)، قرارداد ۲۴ ماده‌ای درباره «استفاده از رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی واقع در امتداد سرخط سرحد از هریرود تا بحر خزر» به امضای دو کشور برسد. در ماده اول این قرارداد آمده است: تمام آب هریرود (تجن) از پل موسوم به پل خاتون در امتداد سرحد به طرف جریان آب بین طرفین متعاهدتین به ده قسمت متساوی تقسیم می‌گردد که سه قسمت آن برای استفاده ایران و هفت قسمت دیگر آن برای استفاده اتحاد جماهیر شوروی خواهد بود (مخبر، ۱۳۲۴: ۱۷).

بدین ترتیب برخلاف مفاد فصل سوم قرارداد ۱۹۲۱ و حتی برخلاف پروتکل دوم مهرماه سال ۱۳۰۰ شمسی، سهم ایران و اتحاد شوروی از آب رودخانه هریرود به ترتیب ۳۰ و ۷۰ درصد تعیین شد. این تقسیم، آشکارا ناعادلانه، غیرمنصفانه و به ضرر ایران بود. با این وجود در گزارش هیئت ایرانی به وزارت امور خارجه، قرارداد «به‌طور دلخواه و به صرفه ایران» دانسته شده بود (طاهر احمدی، ۱۳۸۴: ۲۶۴).

افزون بر تقسیم آب هریرود، ذخیره آب و احداث سد بر روی آن نیز در ماده سوم قرارداد اول اسفند ۱۳۰۴ مورد توافق طرفین قرار گرفت (مخبر، ۱۳۲۴: ۱۸). این توافق در مذاکرات اسفند ۱۳۳۶ (مارس ۱۹۵۸) و نیز شهریور ۱۳۵۳ (سپتامبر ۱۹۷۴) بار دیگر تکرار و مطالعاتی نیز آغاز شد. اما وقوع انقلاب در ایران و سپس تحولات اتحاد شوروی و فروپاشی آن کشور اقدامات بیشتر را به تعویق انداخت. سرانجام در مهرماه ۱۳۷۰ در جریان سفر **صفر مراد نیازف**، رئیس‌جمهور وقت ترکمنستان به تهران برای احداث سد بر روی رودخانه هریرود توافق شد. براساس این توافق سهم هریک از طرفین در احداث، بهره‌برداری و استفاده از آب و انرژی سد به‌صورت مساوی تعیین شد (فدایی، چکنگی، ۱۳۸۴: ۱۸۹). این توافق به‌معنای احیای حقوق ایران و منطبق با مفاد قرارداد ۱۹۲۱ درباره انتفاع مساوی از آب‌های مرزی بود.

از اواخر سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰ میلادی) عملیات احداث سد پس از تکمیل سیستم انحراف آن آغاز شد. طبق برنامه، ساخت سد باید در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) به

پایان می‌رسید اما با تشخیص مقامات عالی دو کشور احداث آن یک سال زودتر پایان یافت و سهم هر کشور از مجموع ۸۲۰ میلیون متر مکعب آب قابل تنظیم آن ۴۱۰ میلیون متر مکعب تعیین شد. افزون‌بر ذخیره‌سازی و تنظیم آب رودخانه هریرود، تأمین بخشی از آب شرب شهر مشهد، تثبیت مرز ایران و ترکمنستان، تأمین آب کشاورزی دشت سرخس در ایران و ترکمنستان و مهار سیلاب و جلوگیری از خسارت سیل، اهداف مورد نظر از احداث سد دوستی هستند (فدایی، چکنگی، ۱۳۸۴: ۲۰۰-۱۹۰).

درحالی‌که بر اساس توافق‌های به‌عمل‌آمده بین ایران و ترکمنستان، چگونگی و میزان بهره‌برداری از آب هریرود و سد دوستی مشخص شده است، هیچ‌گونه توافقی با دولت افغانستان در این‌باره وجود ندارد. این درحالی است که براساس اطلاعات موجود، افغانستان احداث دست‌کم دو سد بر روی این رودخانه را در دست اقدام دارد. یکی از آنها به نام سد سلما در ۱۷۰ کیلومتری شهر هرات قرار دارد. هدف از احداث این سد، ذخیره آب برای آبیاری و تولید برق است. از احداث سد دیگری به نام جدواد نیز خبر داده می‌شود. احداث این دو سد می‌تواند بر روان‌آب سد دوستی و کیفیت آب آن تأثیر منفی به‌جای گذارد. در این‌صورت برخی از اهداف دو کشور ایران و ترکمنستان از احداث سد دوستی با تنگنای جدی روبه‌رو می‌شوند. با کاهش آب ورودی به سد ذخیره‌سازی، تنظیم آب و تأمین آب کشاورزی دشت سرخس با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شوند. در این میان با کاهش حجم و کیفیت آب سد دوستی کمبود جدی آب شرب شهر مشهد که با بهره‌برداری از سد دوستی امید به رفع آن می‌رفت بار دیگر به وضعیت بحرانی وارد می‌شود. این مشکلات، بحران‌ها و پیامدها و واکنش‌ها در مقابل آنها می‌تواند امنیت انسانی منطقه را با تهدید روبه‌رو سازد. اقدامات افغانستان در شرایطی صورت می‌گیرد که این کشور علاقه‌مندی چندانی به شرکت در جلسات مشترک و سه‌جانبه هماهنگی درباره بهره‌برداری از منابع آب رودخانه هریرود از خود نشان نمی‌دهد. در صورتی‌که در واکنش به اقدامات ناهماهنگ افغانستان، کشورهای ایران و ترکمنستان نیز طرح‌های یک‌جانبه‌گرایانه‌ای را به اجرا گذارند، مشکلات پیچیده‌ای در منطقه بروز خواهد کرد که هیچ‌یک از طرفین از آن منتفع نخواهند شد.

افغانستان در حوضه هریرود بالادست است اما دست کم در این حوضه سابقه‌ای از عقد معاهدات، اقدامات عمرانی مشترک و نیز تمایل آشکاری به شرکت در مذاکرات برای کسب توافق‌های سازنده ندارد. به نظر می‌رسد این کشور به جبران فرصت‌های ازدست‌رفته دوران اشغال و جنگ‌های جهادی و داخلی، اکنون به سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه تمایل بیشتری نشان می‌دهد. در نقطه مقابل، ایران و ترکمنستان به عنوان کشورهای میان‌دست و پایین‌دست هریرود که قراردادهای همکاری و اقدامات عمرانی مشترک در این حوضه داشته‌اند، علاقه‌مند به مشارکت افغانستان در این همکاری‌ها هستند. آنها می‌دانند که تنها در سایه همکاری‌های منطقه‌ای امکان استمرار بهره‌برداری مطلوب از آب‌های مشترک و کمک‌های متقابل به بازسازی و توسعه افغانستان فراهم می‌شود.

نتیجه‌گیری؛ راهکارهایی برای توسعه همکاری‌های آبی در حوضه هریرود

عملکرد کشورهای منطقه نشان می‌دهد که واقع‌گرایی، پارادایم مسلط آنها در شناخت موضوع کم‌آبی بوده است. از این منظر در اختیار داشتن منابع آب، پایه کسب و حفظ قدرت و اعمال آن بر همسایگان است. اما این امر کمکی به پایداری تأمین منابع آب این کشورها و تأمین آب مورد نیازشان نکرده است. در مجموع به نظر می‌رسد پارادایم امنیت انسانی جامع‌ترین و باکفایت‌ترین چهارچوب برای درک مشکل کم‌آبی و یافتن سازوکارهایی برای آن است. این چهارچوب می‌تواند مقابله با تهدیدات مربوط به حیات و بقای انسان‌های ساکن منطقه، ملاحظات امنیت ملی، ضرورت‌های مربوط به حفظ محیط زیست، توسعه و همکاری‌های کشورهای برای رفع نیازهای متقابل یکدیگر را دربرگیرد. کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان تاکنون به جز موضوع تقسیم آب هیرمند که در مواردی منشاء اختلاف در روابط ایران و افغانستان بوده است، شاهد تنشی در روابط خود بر سر موضوع آب نبوده‌اند. اما همکاری‌های آنها نیز با توجه به پیوندهای تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی‌شان محدود بوده است. آنچه این کشورها تاکنون در زمینه مدیریت منابع آب انجام داده‌اند بیشتر در چهارچوب امنیت و منافع ملی‌شان و در قالب طرح‌هایی چون ایجاد سدهای مخزنی بوده است. اما این طرح‌ها در بهترین حالت راه‌حل‌هایی

ناپایدار و کوتاه‌مدت برای حل مشکلاتی دیرپا و ماندگار هستند.

کم‌آبی ویژگی طبیعی منطقه است و مقابله با تهدید آن نیازمند راه‌حل‌های پایدار و همه‌جانبه است. مسئله آب‌های مشترک و مرزی موضوعی نیست که در چهارچوب طرح‌های ملی و دیدگاه‌های یک‌جانبه‌گرایانه حل و فصل شود. در این صورت بیم آن می‌رود که با بی‌توجهی به دیدگاه‌ها و راهکارهای جامع، مشکلات موجود به تنش یا بحران تبدیل شده و امنیت ملی و انسانی کشورهای منطقه به خطر افتد.

برای اجتناب از بروز احتمالی چنین وضعیتی در چهارچوب پارادایم امنیت انسانی توصیه‌ها و راهکارهای زیر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۱. رودخانه هریرود و حوضه آبریز قره‌قوم، بخش قابل توجهی از مردم و سرزمین سه کشور افغانستان، ایران و ترکمنستان را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این کشورها می‌توانند مدیریت هماهنگ و یکپارچه‌ای را برای این حوضه مشترک با هدف رفع نیازهای کنونی و توسعه‌ای خود تدارک ببینند. ایجاد کمیسیون مشترک برای همکاری، تبادل اطلاعات و هماهنگی درباره طرح‌های آبی و عمرانی می‌تواند محور فعالیت‌های دولتی قرار گیرد.

۲. مشاوره مستمر با بهره‌برداران، مردم محلی و نهادهای غیردولتی و مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مدیریت منابع آب حوضه، امری ضروری تلقی شود.

۳. طرح‌های توسعه‌ای باید متناسب با ظرفیت‌های آبی حوضه و حقایق هریک از کشورها تنظیم و به مورد اجرا گذارده شوند تا از فشار بر منابع آب و مصرف بیش از حد آن اجتناب شود.

۴. پرهیز از الگوهای پرهزینه و بی‌ثمر خودکفایی که تأثیرات مخربی بر منابع تجدیدشونده آبی به‌جای می‌گذارند، بهینه‌سازی مصرف آب به‌ویژه در بخش کشاورزی و بازسازی نه‌های فرسوده و سنتی و اتخاذ روش‌های مناسب آبیاری در دستورکار دولت‌ها قرار گیرد.

۵. کنترل رشد جمعیت و مقابله با مهاجرت‌های بی‌رویه، از دیگر توصیه‌هایی است که در همکاری‌های مربوط به مدیریت منابع آب می‌تواند مورد تبادل نظر و

تصمیم‌گیری قرار گیرد.

۶. در سطح سیاسی انجام موفقیت‌آمیز همکاری‌های آبی مستلزم تعیین ارزش واقعی آب و تعریف سبد منافع برای انجام همکاری‌های مشترک است. در این سبد، امکانات و نیازها در کنار یکدیگر مطرح و کشورها متعهد به رفع نیازها در ازای استفاده از امکانات یکدیگر می‌شوند. مثلاً کشورهای ایران و ترکمنستان متناسب با میزان همکاری افغانستان در تأمین نیازهای آبی‌شان به رفع نیازهای افغانستان در بخش‌های انرژی، ترانزیت، بازسازی و توسعه می‌پردازند.

۷. در تداوم همکاری‌های آبی، سیاسی و اقتصادی برگزیدن یک رژیم حقوقی بهره‌برداری از آب‌های مشترک - که متضمن استفاده عادلانه، معقول و پایدار باشد - ضروری است.

۸. تدوین قوانین و مقررات مناسب در نظام‌های داخلی هریک از کشورهای ایران، افغانستان و ترکمنستان، ضمن فراهم آوردن بستر قانونی همکاری‌های مشترک و ایجاد الزامات قانونی، موجبات ایجاد نظام‌های شفاف برای مدیریت منابع آب توأم با مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی تصمیم‌گیران و مجریان را فراهم می‌کند تا سلامت سازوکارهای پیش‌بینی‌شده تأمین شود.

طراحی و اجرای یک الگوی موفق از مدیریت منابع آب می‌تواند اساس همکاری‌های این کشورها برای رفع تهدیدهای امنیتی جدی ناشی از تجارت مواد مخدر، فعالیت گروه‌های تروریستی و قاچاق انسان در منطقه قرار گیرد. همه این اقدامات در صورتی ممکن و قابل حصول است که تأمین امنیت انسان‌ها و منافع و مصالح متقابل و مشترک مردم منطقه در اولویت قرار گیرد.*

یادداشت‌ها

^۱. برای آگاهی بیشتر از پندارها و ارزیابی‌ها درباره سیاست امنیتی ایران رک به:
(لطیفان، ۱۳۹۰: ۲۰۷-۱۷۵)



منابع

الف - فارسی

- اسناد وزارت امور خارجه. ۱۳۰۰. پوشه ۶۳، جزوه‌دان ۴۶ (سال ۱۳۰۰).
پاپلی یزدی، حسین و فاطمه وثوقی. ۱۳۸۳. *خراسان، ژئوپلیتیک و توسعه*، مشهد: انتشارات پاپلی.
جعفری، عباس. ۱۳۷۹. *رودها و رودنامه ایران*، تهران: گیتاشناسی.
حافظنیا، محمدرضا و نیکبخت، مهدی. ۱۳۸۱. «آب و تنش‌های اجتماعی - سیاسی، مطالعه موردی گناباد»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، سال هفدهم، شماره ۶۶-۶۵.
ذوقی، ایرج. ۱۳۶۸. *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ ۱۹۲۰-۱۹۰۰*، تهران: پاژنگ.
روشندل، جلیل. ۱۳۷۳. *امنیت ملی و نظام بین‌المللی*، تهران: انتشارات سمت.
سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۲۱۷-۱۰۲۰۰۷ گزارش کارگزاری خراسان به شماره ۵۳۳۳ به وزارت خارجه در ۳ فروردین ۱۳۰۵.
سازمان آب منطقه‌ای خراسان. ۱۳۸۷. *سیمای آب در استان خراسان*. دسترسی در: سایت سازمان آب منطقه‌ای خراسان www.khrw.ir.
شرکت مهندسی مشاور جاماب. ۱۳۷۲. *طرح جامع آب کشور، حوضه هریود و کشف رود*، تهران: جاماب.
شورماج، محمداکبر. ۱۳۵۰. *جغرافیای عمومی افغانستان*، کابل: مؤسسه انتشارات مروزی.
طاهر احمدی، محمود. ۱۳۸۴. *روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
فدایی، سیداحمد، علیرضا چکنگی. ۱۳۸۴. *سد دوستی نماد پیوند دو ملت*، مشهد، شرکت آب منطقه‌ای خراسان.
قاسمی، محمدعلی. ۱۳۸۴. امنیت انسانی: مبانی مفهومی و الزامات راهبردی، *مطالعات راهبردی*، شماره ۳۰، صص ۸۱۷-۸۳۰.
قاسمی، محمدعلی. ۱۳۸۵. الگوهای سنجش و مطالعه امنیت انسانی، *مطالعات راهبردی*، شماره ۳۲، صص ۲۶۱-۲۷۴.
قوام، سید عبدالعلی. ۱۳۸۰. *سیاست خارجی و اصول روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات

سمت.

کاظم زاده، فیروز. ۱۳۷۱. *روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴: پژوهشی درباره امپریالیسم*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. کردوانی، پرویز. ۱۳۷۳. *منابع و مسائل آب ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. کریمی پور، بدالله. ۱۳۷۹. *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تهدید و تنش)*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم. کلیفورد، مری لوئیس. ۱۳۸۶. *سرزمین افغانستان*، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. لطفیان، سعیده. ۱۳۹۰. پندار از تهدید و سیاست‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه روابط خارجی ایران*، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰، صص ۲۰۷-۱۷۵.

مخبر، محمدعلی. ۱۳۲۴. *مرزهای ایران*، تهران: چاپخانه کیهان. مسیبی، محمد. ۱۳۷۸. *دیباچه‌ای بر منابع آب*، اصفهان: ارکان اصفهان. مورگنتا، هانس جی. ۱۳۷۴. *سیاست میان ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. ولایتی، علی اکبر. ۱۳۷۰. *تاریخ روابط خارجی ایران ۱/ دوره اول مشروطه*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. هاگت، پیتر. ۱۳۸۶. *جغرافیا ترکیبی نو (دو جلد)*، ترجمه شاپور گودرزی‌نژاد، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.

ب - انگلیسی

- Bajpai, Kanti. 1 August 2000. "Human Security: Concept and Measurement", *Kroc Institute Occasional Paper*, available at: www.nd.edu/~krocinst/ocpapers/op_19_1.PDF
- Carius, Alexander, Geoffrey D. Dabelko, and Aron Wolf. 2004. *Water, conflict, and cooperation*, Background paper prepared for the **UN Secretary-General's High Level Panel on Threats, Challenges, and Change**. Washington, DC: United Nations Foundation.
- Cech Thomas V. 2004. *Principles of Water Resources: History, Development, Management, and Policy*, 2nd Edition, NJ: John Wiley & Sons.
- Dolatyar, Mostafa and Tim s. Groy. 2000. *Water Politics in the Middle East*, London: Macmillan.
- Schrijver, Nico. 1997. *Sovereignty over Natural Resources: Balancing Rights and Duties*, Cambridge: Cambridge Studies in International and Comparative Law.

United Nations Development Program. May 1995. "Redefining Security: The Human Dimension", **Current History**, 94.

ج - الکترونیکی

[www.irna.ir /view/full_story/?News_Id=125446](http://www.irna.ir/view/full_story/?News_Id=125446).

www.khrw.ir/portals/o/Ab_1_Meher_87doc.

www.nd.edu/~krocinist/ocpapers/op_19_1. PDF.

[http://esa.un.org /unpp](http://esa.un.org/unpp).

